

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

دانای حقیقت

دور است از معصیت

۲۵ فروردین ۱۳۸۹

۲۹ ربیع الثانی ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن

۳

در جلسات گذشته، مباحثی را در مورد عصمت انبیای الهی علیهم السلام خاصه، رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز اوصیای ایشان علیهم السلام پی گیری نمودیم و دیدگاه متفاوت شیعه و اهل سنت را در این زمینه نقل کردیم. طبق سخنان گذشته، اهل سنت بر این باورند که عصمت انبیا علیهم السلام منحصر در تلقی وحی و ابلاغ رسالت است و ممکن است ایشان نیز مانند افراد عادی، در امور فردی و شخصی دچار لغزش و انحراف شوند. البته، طبق مدارک و اسنادی که ارائه شد، به این نتیجه رسیدیم که اهل سنت این مبنای خود را نیز نقض نموده و گفته اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تلقی وحی، به وسوسه شیطان دچار شدند و آیات مجعولی را که موجب خشنودی بت پرستان شد، بر زبان جاری و به مردم ابلاغ نمودند^(۱).

اما طبق عقیده شیعه، تمام انبیای الهی علیهم السلام دارای عصمت هستند و هرگز دچار خطا، لغزش و انحراف نمی شوند و شیعیان عصمت را که شرط اساسی برای

۱. نقد این مطلب، جزوه شماره ۸۶.

نبوت است، مطلق می‌دانند؛ یعنی قبل و بعد از بعثت، در تلقی وحی یا ابلاغ رسالت، در امور شخصی یا اجتماعی، انبیا علیهم‌السلام معصوم هستند.

عصمت از منظر شیعیان

خداوند متعال، انبیای کثیری به سوی بندگانش فرستاد، تا هدایتگر آنان باشند و به واسطه آنها علیهم‌السلام راه را از چاه تشخیص دهند. از نظر ما رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهرين علیهم‌السلام، هرگز امکان ندارد که به خطا و اشتباه دچار شوند؛ زیرا در این صورت ایشان نیز به هدایتگر نیاز دارند. پس خداوند خواسته است که آنان علیهم‌السلام مقام عصمت را دارا باشند و هرگز صفات ناپسند در ایشان علیهم‌السلام راه نیابد.

در جلسه گذشته جهت اثبات ادعای فوق، روایت ارزشمندی نقل شد. در این مجال، علاوه بر تکرار روایت گذشته به نقل دو روایت دیگر در زمینه عصمت می‌پردازیم تا به این وسیله، عصمت را از منظر شیعه، بیشتر و بهتر بشناسیم. در سراسر کتب روایی شیعه، بابی به نام عصمت وجود دارد که در آن، به نقل روایات اهل بیت علیهم‌السلام در باب عصمت، پرداخته شده است. در کتاب معانی الأخبار نیز مانند دیگر کتب، روایات ارزشمندی در زمینه عصمت آورده شده است که به ذکر سه روایت از آنها می‌پردازیم:

۱. حضرت امام کاظم علیه‌السلام از پدرانشان علیهم‌السلام از حضرت امام سجّاد علیه‌السلام نقل کرده‌اند که ایشان علیه‌السلام فرمودند:

«الإمام منّا لا یكون إلّا معصوماً وليست العصمة في ظاهر الخلقة

فيعرف بها ولذلك لا يكون إلا منصوفاً. فقليل له: يا ابن رسول الله! فما معنى المعصوم؟ فقال عليه السلام: هو المعتصم بحبل الله، وحبل الله هو القرآن، لا يفترقان إلى يوم القيامة، والإمام عليه السلام يهدي إلى القرآن والقرآن يهدي إلى الإمام عليه السلام، وذلك قول الله عز وجل: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾^(۱)،^(۲).

امام عليه السلام از خاندان ما، معصوم است و عصمت در ظاهر و صورت امام عليه السلام ظاهر نمی شود، تا بتوان به این وسیله ایشان را شناخت؛ به همین دلیل است که امامت به نص و تصریح [امام قبلی] است.

شخصی عرض کرد: ای فرزند رسول خدا ﷺ! معنای معصوم چیست؟ امام عليه السلام فرمودند: معصوم کسی است که به ریسمان خداوند متعال چنگ می زند و ریسمان خداوند، همان قرآن است که این دو، تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی شوند. امام عليه السلام به سوی قرآن و قرآن نیز به سوی امام عليه السلام هدایت می کند و این مطلب، همان کلام خداوند متعال است که فرمود: «این قرآن، به راهی که استوارترین راهها است، هدایت می کند».

نکته‌ای که در این روایت بر آن تأکید شده، این است که قرآن کریم از مقام عصمت و امامت، جدایی ناپذیر و تفکیک ناشدنی است. در تأیید این سخن، می توان به دو روایتی که در منابع شیعه و اهل سنت آمده است استناد نمود:

۱. سورة إسماء، آیه ۹.

۲. معانی الأخبار، صفحه ۱۳۲.

الف. رسول خدا ﷺ فرمودند:

«عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرْدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(۱).

علی علیه السلام همراه حق و حق هم همراه علی علیه السلام است، و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا اینکه در روز قیامت کنار حوض بر من وارد شوند.

ب. رسول خدا ﷺ فرمودند:

«عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^(۲).

[حضرت] علی علیه السلام همراه قرآن و قرآن همراه [حضرت] علی علیه السلام است.

سخن ما با اهل سنت این است که، اگر شما قرآن کریم را مصون از خطا و اشتباه و دور از هرگونه زشتی، پلیدی و انحراف می دانید، پس هر آنچه هم با قرآن همراه است، باید از درجه عصمت برخوردار باشد و از هرگونه پلیدی، زشتی، خطا و انحراف دور باشد؛ در غیر این صورت، هماهنگی، همراهی و معیت با قرآن بر او صادق نخواهد بود. از سوی دیگر، حق آن چیز است که لب و اصل واقعه را نشان می دهد و هیچ گونه شائبه ای در آن راه ندارد، پس آنچه با آن

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۸ صفحه ۳۶۸، و از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق جلد ۴۲ صفحه ۴۴۹، مجمع الزوائد جلد ۷ صفحه ۲۳۷، شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، جلد ۱۸ صفحه ۷۲.

۲. بحار الأنوار، جلد ۳۸ صفحه ۳۵، و از منابع اهل سنت: مستدرک الحاکم، جلد ۳ صفحه ۱۲۴، کنز العمال، جلد ۱۱ صفحه ۶۰۳.

همراه است نیز باید از باطل و انحرافات، دور و از خلوص کافی برخوردار باشد.

۲. حسین اشقر می‌گوید از هشام بن حکم پرسیدم:

«ما معنی قولکم: إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا؟ فقال: سألت أبا

عبدالله عليه السلام عن ذلك، فقال عليه السلام: المعصوم هو الممتنع بالله من جميع محارم الله، وقال الله تبارك وتعالى: ﴿وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ ^(۱) «(۲)».

معنای گفتار شما چیست که: امامی نیست، مگر آنکه معصوم

است؟ هشام گفت: از حضرت امام صادق عليه السلام در این مورد

پرسیدم، امام عليه السلام فرمودند: معصوم کسی است که، به وسیله

خداوند متعال ارتکاب محرمات الهی در ایشان، راه ندارد و

ممکن نیست. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَهَر كَسْ بِهِ خُذَا

تَمَسَّكَ جَوِيدَ، بِهِ رَاهِي رَاسْتِ، هِدَايْتِ شَدَّهْ اسْتِ﴾.

۳. محمد بن ابی عمیر - که از شاگردان هشام بن حکم بود - می‌گوید:

«ما سمعت ولا استفدت من هشام بن الحكم في طول صحبتي له،

شيئاً أحسن من هذا الكلام في صفة عصمة الإمام عليه السلام، فإنني سألته

يوماً عن الإمام عليه السلام أهو معصوم؟ فقال: نعم. فقلت: فما صفة العصمة

فيه؟ وبأي شيء تعرف؟ فقال: إن جميع الذنوب لها أربعة أوجه ولا

خامس لها: الحرص، والحسد، والغضب، والشهوة. فهذه منفيّة

۱. سورة آل عمران، آية ۱۰۱.

۲. معاني الأخبار، صفحة ۱۳۲.

عنه ، لا يجوز أن يكون حريصاً على هذه الدنيا وهي تحت خاتمه ،
لأنّه خازن المسلمين ، فعلى ماذا يحرص ؟ ولا يجوز أن يكون
حسوداً ، لأنّ الإنسان إنّما يحسد من فوقه وليس فوقه أحد ، فكيف
يحسد من هو دونه ؟ ولا يجوز أن يغضب لشيء من أمور الدنيا ، إلّا
أن يكون غضبه لله عزّ وجلّ ، فإنّ الله عزّ وجلّ قد فرض عليه إقامة
الحدود وأن لا تأخذه في الله لومة لائم ولا رافة في دينه ، حتّى يقيم
حدود الله عزّ وجلّ ، ولا يجوز له أن يتّبع الشهوات ويؤثر الدنيا على
الآخرة ، لأنّ الله عزّ وجلّ حبّب إليه الآخرة كما حبّب إلينا الدنيا ، فهو
ينظر إلى الآخرة كما ننظر إلى الدنيا . فهل رأيت أحداً ترك وجهاً حسناً
لوجه قبيح وطعاماً طيباً لطعام مرّ وثوباً لثوب خشن ونعمة دائمة
باقية لدنيا زائلة فانية ؟ ^(۱) .

در مدّتی که با هشام بن حکم هم سخن بودم ، نشنیدم و بهره نبردم
بهتر و زیباتر از کلامی که در مورد ویژگی عصمت امام علیه السلام بود .
روزی از او سؤال کردم که آیا امام علیه السلام معصوم است ؟ پس او
گفت : بلی ! من گفتم : ویژگی عصمت در امام علیه السلام چیست و
چگونه می توان عصمت را شناخت ؟ او گفت : به درستی که تمام
گناهان ، چهار دلیل دارند و دلیل پنجمی نمی یابی ؛ ۱ . حرص و
طمع ۲ . حسادت ۳ . غضب ۴ . شهوت ؛ ولی این صفات از امام علیه السلام
نفی می گردد ؛ امام علیه السلام بر دنیا حریص نمی باشند چون تمام دنیا

۱ . معانی الأخبار ، صفحه ۱۳۳ .

زیر انگشتی ایشان علیه السلام است؛ چرا که ایشان علیه السلام گنجینه دار مسلمانان هستند، با این اوصاف بر چه چیزی حرص بورزند؟ همچنین ایشان علیه السلام حسود نمی باشند؛ چرا که انسان بر ما فوق خود حسادت می ورزد، در حالی که کسی بالاتر از امام علیه السلام وجود ندارد، پس چگونه بر پایین تر از خود حسد بورزند؟ همچنین امام علیه السلام به خاطر امور دنیوی غضبناک نمی شوند، مگر اینکه به خاطر خداوند متعال غضبناک گردند. به درستی که خداوند متعال، بر امام علیه السلام واجب کرده است که بر اجرای حدود قیام کنند و هرگز در راه خدا از سرزنش دیگران نهرا سیده و در دین خدا مهربانی نکنند، تا زمانی که حدود خداوند متعال اقامه شود. و همچنین امام علیه السلام از شهوات پیروی نمی نمایند و دنیا را بر آخرت بر نمی گزینند؛ زیرا خداوند متعال ایشان علیه السلام را دوستدار آخرت قرار داده، همان گونه که ما را دوستدار دنیا قرار داده است، پس نگاه ایشان علیه السلام به آخرت مانند نگاه ما به دنیا است. آیا کسی را دیده ای که چهره زیبایی را به خاطر چهره زشتی ترك کند، یا غذای لذیذی را به خاطر غذای تلخ و بد مزه ای رها کند، یا لباس نرم و راحتی را به خاطر لباس زبر و خشنی ترك کند، یا نعمت ماندگار و دائمی را به خاطر دنیایی که از بین رونده و فانی است، ترك نماید؟!

طبق این روایت شریف، ریشه گناهان در چهار چیز خلاصه می شود که هیچ

یک از آنها در مورد امام علیه السلام متصوّر نخواهد بود؛ به عبارت دیگر، دارنده این چهار رذیله اخلاقی، به ورطه هولناک گناه کشیده خواهد شد، و این تنها امام علیه السلام است که می‌تواند با این رذایل به مبارزه برخیزد.

امام علیه السلام دور از رذائل اخلاقی

سخن دیگر این است که، آیا امام علیه السلام مانند انسان‌های عادی، دچار رذایل اخلاقی می‌شوند یا نه؟

اکنون به بررسی بعضی از صفات ناپسند در این زمینه می‌پردازیم، که عبارتند از: حرص و طمع، حسادت، خشم و غضب و شهوت.

۱. حرص و طمع

با توجّه در کتب روایی و اخلاقی، به این نتیجه می‌رسیم که انبیا و معصومین علیهم السلام نه تنها حریص نبودند بلکه به دنیا و اموال آن بی‌اعتنایی می‌کردند؛ چرا که آنها هر چه از مال و ثروت دنیا اراده می‌کردند، می‌توانستند در اختیار داشته باشند؛ ولی با این حال، بی‌اعتنایی به اموال دنیا را راهی برای رسیدن به محبوب می‌دانستند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

« تزوّجت فاطمه علیها السلام و ما کان لی فراش، و صدقتی الیوم لو قسمت

علی بنی هاشم، لو سعتهم»^(۱).

با فاطمه علیها السلام ازدواج نمودم در حالی که هیچ فرش و زیراندازی در اختیار نداشتم اما امروز می‌توانم به تمام بنی هاشم، انفاق کنم.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۱ صفحه ۴۳.

در روایات فراوانی آمده است: در آن ایام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با حضرت فاطمه علیها السلام ازدواج کردند، زیر انداز آنها پوست گوسفند بود^(۱).

در مورد بی اعتنائی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به ثروت دنیا، آمده است:

«سأله أعرابي شيئاً فأمر له بألف، فقال الوكيل: من ذهب أو فضة؟»

فقال عليه السلام: كلاهما عندي حجران، فأعط الأعرابي أنفعهما له^(۲).

مردی صحرا نشین از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست

کمک نمود، امام علیه السلام فرمودند: به او هزار دهید. وکیل عرض

کرد: هزار عدد از طلا یا نقره؟ امام علیه السلام فرمودند: طلا و نقره نزد

من سنگی بیش نیستند، پس به اعرابی آنچه به حال او بیشتر فایده

دارد، ببخش.

تمام عالم با دارایی‌های آن در ید قدرت معصومین علیهم السلام بود، ولی مهم این

است که ببینیم آنها علیهم السلام، چقدر به دنیا و اموال آن دلباخته بودند و آیا دنیا برای

آنها علیهم السلام ارزش داشت که بخواهند برای به دست آوردن آن طمع بورزند؟ حرص و

طمع در مورد انسان‌های عادی با توجه به این که به خواسته‌های خود دست

نیافته‌اند، قابل تصوّر است. بعضی انسان‌ها حاضرند برای رسیدن به خواسته‌های

خود، حلال و حرام الهی را مخلوط نمایند یا به اموال مردم دست درازی کنند^(۳).

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۳ صفحه ۱۱۷.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۱ صفحه ۳۲.

۳. در داستان‌ها آمده است که کسی هنداونه‌ای را دزدید و مشغول خوردن آن شد. فرزند او گفت: چرا مال حرام می‌خوری؟ گفت: من به حلال و حرام آن کاری ندارم بلکه به خاطر خنک و گوارا بودن آن میل می‌کنم.

اما امام علیه السلام هرگز به اموال دنیا حریص نیست.

۲. حسادت

حسادت، یکی دیگر از ریشه‌های گناهان است. این رذیله اخلاقی، در مورد امام علیه السلام متصور نیست؛ زیرا حسادت در مورد افرادی است که خود را نسبت به دیگران ضعیف و ناتوان می‌بینند؛ به عبارت دیگر، انسان همیشه نسبت به بالا دست خود حسادت می‌ورزد. برای مثال، کسانی که از وضعیّت اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند، نسبت به انسان‌های ثروتمند حسادت می‌ورزند و تلاش و کوشش می‌کنند تا با هر روشی، اموال آنها را از چنگشان در آورند. بنابراین، حسادت در مورد مقام، ثروت و نعمت‌های مادی و معنوی متصور است؛ ولی آیا می‌توان کسی را یافت که از امام علیه السلام بالاتر و برتر باشد؟ امام علیه السلام شخصیتی است که، همه خزائن عالم و گنجینه‌های مادی و معنوی در دست او است و هرگز حسادت در مورد ایشان علیه السلام متصور نخواهد بود.

۳. خشم و غضب

خشم و غضب، یکی دیگر از رذائلی است که امام علیه السلام از آن مبرّی است. امام علیه السلام به این دلیل که تنها خدا را می‌بیند و بس، هرگز دچار خشم و غضب نمی‌شود و چنانچه در بعضی امور غضبناک شود، در راستای رضایت و خشنودی پروردگار است؛ زیرا در بسیاری از موارد که دشمنان و کافران نسبت به دین و سنت الهی برخورد ناشایست داشتند، امامان علیهم السلام نیز برای جلب رضایت خداوند، با آنان برخورد می‌کردند ولیکن هرگز دیده نشده است که این بزرگواران علیهم السلام به خاطر مسائل شخصی دچار خشم و غضب شده باشند.

۴. شهوت

شهوت، یکی از ریشه‌های گناهان به شمار می‌رود. انسان‌های معمولی به این دلیل که چشم به دنیا داشته و از آخرت غافل شده‌اند، دچار شهوت رانی می‌شوند؛ ولی امام علیه السلام چون دنیا را فانی و ناچیز می‌داند، تلاش می‌کند که آخرت خود را از دست ندهد؛ به همین دلیل، انسان‌ها عاشق دنیا هستند و امام علیه السلام عاشق آخرت و لقای پروردگار است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که در بستر شهادت بودند، به فرزندان خود فرمودند: گریه و زاری نکنید؛ زیرا من ملائکه آسمان و تمام پیامبران را می‌بینم که مشتاق دیدار من هستند و مرا به آخرت دعوت می‌کنند^(۱).

امام علیه السلام چون وعده دیدار و لقای پروردگار خود را نزدیک می‌بیند خوشحال و شادمان هستند و نا آرام در انتظار لقای محبوب و معشوق خویش‌اند. بنابراین، کسی که آخرت و لقای پروردگار را بر دنیای فانی مقدم می‌انگارد، هرگز دچار اخلاق رذیله شهوت رانی نخواهد شد؛ در نتیجه امام علیه السلام گناه و لغزش ندارد؛ چون دلیل عقلی بر آن موجود نیست.

بررسی نظریات مختلف در باب عصمت

تاکنون بسیاری از متکلمان به این مسئله پرداخته‌اند که کیفیت عصمت در معصومین علیهم السلام چگونه است، یا به عبارت دیگر معصومین علیهم السلام چگونه گناه و اشتباه نمی‌کنند؟ نظریات مختلفی در این زمینه مطرح شده است که در این مجال به ذکر سه نظریه پرداخته شده است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۲ صفحه ۲۰۳، منتهی الآمال، صفحه ۲۱۰.

نظریه اول

عصمت یک نیروی ویژه، مستقل و خدادادی است که، زمینه انحراف و گناه را در دارنده آن از بین می‌برد. همانند فرشتگان که خداوند متعال ابزار گناه را در اختیار آنان قرار نداده است.

نظریه دوم

معصومین علیهم‌السلام در ابتدا فاقد توانایی و قدرت بر نافرمانی خداوند متعال هستند؛ یعنی به صورتی آفریده شده‌اند که نمی‌توانند به سوی گناه و معصیت حرکت کنند. البته این فضیلت به هر کسی اعطاء نشده است و برای دارنده آن به عنوان فضیلتی عظیم، محسوب می‌شود.

این دو نظریه به دلیل اشکالات روشنی که دارند، برای ما قابل پذیرش نیستند؛ زیرا خداوند متعال تمام ابزار و اسباب عادی بشری را که در اختیار همگان قرار داده، به معصومین علیهم‌السلام نیز اعطا نموده است. خداوند متعال خطاب به رسول گرامی صلی‌الله‌علیه و آله و سلم می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^(۱).

بگو: من فقط بشری هستم مثل شما؛ [امتیازم این است که] به من وحی می‌شود که تنها معبودتان، معبود یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

۱. سوره کهف، آیه ۱۱۰.

طبق این آیه شریف، رسول خدا ﷺ تصریح می‌کنند که، هر چه به حکم انسان بودن در وجود دیگران قرار داده شده، من نیز تمام آنها را در وجود خویش دارم؛ ولی تنها تفاوت من با افراد دیگر این است که به من وحی می‌شود. بنابراین دو نظریهٔ اول باطل می‌شوند.

۳. نظریهٔ سوم

بعد از نقل آیهٔ فوق، نظریهٔ سوم نیز آشکار می‌شود. طبق این نظریه، عصمت از مقولهٔ علم و یقین است. وحی یعنی امکان احاطه به همهٔ امور خلقت و آفرینش؛ بنابراین ویژگی منحصر به فرد معصومین علیهم‌السلام این است که، آنها مهبط وحی الهی هستند و جبرئیل (روح الامین) بر آنها نازل می‌شود و به این وسیله با دیگران متفاوت می‌شوند.

وحی همان اعطای علم و یقین است؛ یعنی راهنمایی به صراط مستقیم و قدرت تشخیص راه صحیح از نا صحیح. پس علم و یقین باعث می‌شود که آنها علیهم‌السلام از خطا، اشتباه و سقوط در وادی گناه و معصیت در امان باشند.

علم و دانش راه رهایی از لغزش‌ها

معصومین علیهم‌السلام چون از طریق وحی از حقایق عالم آفرینش آگاهی و اطلاع می‌یابند، هرگز دنبال گناه و معصیت نمی‌روند؛ به عنوان مثال، انسان‌های عاقل و بالغ می‌دانند که اگر بدون ابزار و وسایل خود را از ارتفاع بلندی (مانند کوه) به پایین پرتاب کنند، دچار صدمات فراوانی خواهند شد و حتی ممکن است جان خود را از دست بدهند؛ ولی آنها به دلیل علم و دانش خود، هرگز مرتکب چنین

اشتباهی نمی‌شوند. اکنون کودک خردسالی را تصوّر کنید که از پیامد این عمل، علم و دانش کافی ندارد؛ لذا از ارتکاب آن هیچ ترس و واهمه‌ای ندارد. اگر به رفتار پدر و مادر او توجه کنید، هنگامی که فرزند خردسالشان به سمت بلندیها (مانند پشت بام) حرکت می‌کند، سراسیمه به سوی او می‌روند.

بنابراین معصومین علیهم‌السلام طبق علم و دانش خود می‌دانند که ارتکاب زشتیها و گناهان، مانند سقوط از بلندی است که نتیجه آن کاملاً روشن و بدیهی است. البته باید توجه داشت که معصومین علیهم‌السلام، به علم و دانش خویش جامه عمل می‌پوشانند. بر عکس انسان‌های عادی و حتی علمای آخر الزمان که برای آنها علم آموزی آسان‌تر از عمل کردن است. معصومین علیهم‌السلام با تربیت نفوس مستعدّه به جایی رسیده‌اند که هرگز با علم و دانش خویش مخالفت نمی‌کنند. عالمی که به دانش خویش جامه عمل نمی‌پوشاند از سرمایه عقل برخوردار نیست؛ زیرا انسان عاقل حاضر نمی‌شود خود را از بالای بلندی به پایین پرتاب نماید^(۱).

عمل به ظنّ و گمان ممنوع

تا اینجا روشن شد که انسان عاقل و بالغ اگر به علم و دانش خود جامه عمل بپوشاند هرگز در وادی هلاکت سقوط نمی‌کند؛ ولی معمولاً انسان‌ها به جای

۱. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۶ صفحه ۸۷ و جلد ۸ صفحه ۶۷، صحیح مسلم، جلد ۱ صفحه ۹۷، المستدرک، جلد ۳ صفحه ۱۸۳، السنن الکبری، جلد ۹ صفحه ۹، عمدة القاری، جلد ۱ صفحه ۴۶، صحیح بخاری به نقل از عایشه می‌گوید: در ابتدای بعثت اگر وحی به تأخیر می‌افتاد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خود را به بالای کوه می‌رساندند تا از دوری وحی خودکشی کند!!

اینکه به علم و دانش - که همان یقین است - عمل کنند، به ظنّ و گمان اتکا و اعتماد می‌نمایند. قرآن کریم تمام انسان‌ها را از عمل به ظنّ و گمان برحذر می‌دارد و تأکید می‌کند که بیشتر انحرافات اخلاقی و اعتقادی (در اصول و فروع دین) ناشی از عمل به ظنّ، گمان، وهم و تخمین است. در این مجال به ذکر پنج آیه کفایت می‌کنیم.

خداوند متعال می‌فرماید:

۱. ﴿وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾^(۱).

آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی پایه پیروی می‌کنند با اینکه «گمان» هرگز انسان را از حق بی نیاز نمی‌کند.

۲. ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^(۲).

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل، همه مسئول‌اند.

۳. ﴿وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾^(۳).

اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه

۱. سورة نجم، آیه ۲۸.

۲. سورة اسراء، آیه ۳۶.

۳. سورة أنعام، آیه ۱۱۶.

خدا گمراه می‌کند؛ [زیرا] آنها تنها از گمان پیروی می‌نمایند و تخمین و حدس [واهی] می‌زنند.

۴. ﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ﴾^(۱).

به زودی مشرکان [برای تبرئه خویش] می‌گویند: اگر خدا می‌خواست، نه ما مشرک می‌شدیم و نه پدران ما و نه چیزی را تحریم می‌کردیم. کسانی که پیش از آنها بودند نیز همین گونه دروغ می‌گفتند و سرانجام [طعم] کفر ما را چشیدند. بگو: آیا دلیل روشنی [براین موضوع] دارید که آن را به ما نشان دهید؟! شما فقط از پندارهای بی‌اساس پیروی می‌کنید و تخمین‌های نابجا می‌زنید.

۵. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾^(۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها پرهیزید؛ چرا که بعضی از گمانها گناه است و هرگز [در کار دیگران] تجسس

۱. سورهٔ أنعام، آیه ۱۴۸.

۲. سورهٔ حجرات، آیه ۱۲.

نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! [به یقین] همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.

نتیجه‌ای که از آیات فوق به دست آمد این است که ظن و گمان، انسان را به وادی هلاکت نزدیک می‌کند، تا جایی که موجب شرک و روی گردانی انسان از پرودگار واحد می‌شود و حتی انسان به خاطر ظن و گمان به خود اجازه می‌دهد به تجسس و تفتحص در امور شخصی دیگران بپردازد. همچنین در ممنوع و مردود بودن ظن و گمان، در اقلیت یا اکثریت بودن، تفاوتی نمی‌کند.

فقه‌های امامیه نیز، تمام فتاوای خود را از طریق علمی و عقلی صادر می‌کنند و راه ظن و گمان را مسدود می‌نمایند و اعتقاد دارند که پایه و اساس دین بر علم و یقین استوار است.

بنابراین عمل کردن طبق ظن، گمان، وهم و تخمین، موجب می‌شود که انسان از جایگاه واقعی خود سقوط کند و به زندگی خود جنبه، حیوانی دهد. البته واضح و روشن است که علم و دانش و قدرت عمل کردن طبق آنها، به هر کسی داده نشده است؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾^(۱).

سپس این کتاب را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم.

۱. سوره فاطر، آیه ۳۲.

علم و دانش میراث جاویدان

خداوند متعال انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام را به سلاح علم و یقین مجهز نمود، تا آنها علیهم السلام بتوانند در تمام امور جوابگوی سؤالات اقشار مختلف مردم باشند و بتوانند فتوا دهند و در موارد مختلف، تصمیم‌گیری کنند.

علم و دانش و قدرت عمل کردن طبق آن، فضیلت ارزشمندی است که تنها انبیای الهی و اهل بیت علیهم السلام از این هدیه و موهبت الهی برخوردار هستند. برای روشن شدن این مطلب، به ذکر دو روایت می‌پردازیم:

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ، لَمْ يَرْفَعْ وَالْعِلْمُ يَتَوَارَثُ، وَكَانَ عَلِيٌّ عليه السلام عَالِمَ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَأَنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مَنَّا عَالِمٌ قَطُّ، إِلَّا خَلَفَهُ مِنْ أَهْلِهِ مَنْ عِلْمٌ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ»^(۱).

همانا علمی که همراه حضرت آدم علیه السلام نازل شد، دوباره، بالا نرفت. و علم و دانش به ارث برده می‌شود و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دانشمند این امت بود و هیچ دانشمندی از ما نمی‌میرد، مگر اینکه بعد از او از میان خانواده‌اش کسی است که به اندازه او یا به اندازه‌ای که خدا بخواهد، عالم و دانشمند است.

در این روایت به چهار نکته اشاره شده است.

۱. علمی که بر حضرت آدم علیه السلام نازل شد، همان علمی است که خداوند متعال

می‌فرماید:

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۲۲۲.

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾^(۱).

سپس علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را همگی به آدم آموخت.

۲. علم نیز یکی از موارث است؛ همان‌گونه که در زیارت وارث، حضرت سید الشهداء علیه السلام را وارث تمام انبیای الهی علیهم السلام از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانیم.

۳. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام داناترین شخص این امت است.

۴. ارثی که انبیا و معصومین علیهم السلام از خود به جای می‌گذارند تنها از جنس طلا و نقره و امور دنیوی نیست، بلکه علم و دانش است که ارزش والایی دارد.

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«يَمْصُونَ الثَّمَادَ وَيَدْعُونَ النُّهْرَ الْعَظِيمَ، قِيلَ لَهُ: وَ مَا النُّهْرُ الْعَظِيمُ؟
قَالَ علیه السلام: رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَالْعِلْمُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ
جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم سِنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ آدَمَ وَ هَلَمَّ جَزْأً إِلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم.
قِيلَ لَهُ: وَ مَا تِلْكَ السِّنَنُ؟ قَالَ علیه السلام: عِلْمُ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ، وَإِنَّ رَسُولَ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم صَبَرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ
رَسُولِ اللَّهِ! فَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ؟ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام:
اسْمَعُوا مَا يَقُولُ! إِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ مَسَامِعَ مَنْ يَشَاءُ، إِنِّي حَدَّثْتُهُ أَنَّ اللَّهَ جَمَعَ
لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم عِلْمَ النَّبِيِّينَ وَأَنَّهُ جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام،
وَهُوَ يَسْأَلُنِي أَهْوَأَ عِلْمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ»^(۲).

۱. سورة بقره، آیه ۳۱.

۲. کافی، جلد ۱ صفحه ۲۲۲.

به دنبال گودال‌های کوچک می‌روند و نهر بزرگ را رها می‌کنند (کنایه از اینکه به دنبال اجتهادات شخصی می‌روند و علم و یقین را کنار می‌گذارند). سؤال شد: نهر بزرگ چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علمی که خداوند به ایشان صلی الله علیه و آله و سلم عطا فرموده است، به درستی که خداوند متعال سنت‌های پیامبران، از حضرت آدم علیه السلام تا زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در ایشان صلی الله علیه و آله و سلم جمع کرد. سؤال شد: آن سنت‌ها چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: تمام علم و دانش پیامبران علیهم السلام و همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمام آن علوم را به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برگرداندند. مردی عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام داناتر است یا تعدادی از پیامبران؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: گوش فرا دهید که او چه می‌گوید! به درستی که خداوند متعال گوش هر کس را که بخواهد شنوا می‌کند؛ من به او گفتم: خداوند متعال دانش پیامبران علیهم السلام را در رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جمع نمود و ایشان صلی الله علیه و آله و سلم نیز این دانش‌ها را به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، جمع نمود. ولی او از من می‌پرسد: آیا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام داناتر است یا تعدادی از پیامبران؟ یکی از روش‌های پادشاهان ایران این بوده است که، اگر اراده می‌کردند عالم و دانشمندی را مجازات نمایند او را با انسان‌های جاهل و نادان در یک‌جا حبس می‌کردند^(۱).

۱. گفتار آن مرد و سؤالی که از امام علیه السلام پرسید، داستانی تاریخی را به یاد می‌آورد، داستانی که

ظنّ و گمان از منظر روایات

با توزّق در کتب روایی و اخلاقی، به این نتیجه می‌رسیم که خداوند متعال انسان‌ها را به فراگیری علم و یقین دعوت می‌کند و راه ظن و گمان را در تمام شئون زندگی، مسدود می‌نماید.

در همین زمینه به ذکر دو روایت می‌پردازیم:

۱. زراره می‌گوید از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال کردم:

«ما حقّ الله علی خلقه؟ قال عليه السلام: حقّ الله علی خلقه أن يقولوا بما يعلمون ويكفّوا عما لا يعلمون. فإذا فعلوا ذلك فقد والله أدّوا إليه حقّه»^(۱).

حقّ خداوند متعال بر بندگانش چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: حقّ خداوند متعال بر بندگانش این است که آنچه را می‌دانند، بگویند و از آنچه نمی‌دانند، دست نگه دارند. پس هنگامی که این‌گونه رفتار نمودند سوگند به خدا که حقّ خداوند متعال را ادا کرده‌اند!

→ از رنج یک عالم در اثر همنشینی با جاهل حکایت دارد. در زمان سلطان محمود، فردوسی که شاعری شیعه مذهب و زبردست بود - برای خواندن اشعار خود نزد سلطان محمود آمد؛ ولی به دلایلی او را به زندان افکندند. او در زندان اشعار خود را زمزمه می‌کرد و اشک می‌ریخت. فردوسی در این میان متوجّه شد که هم بندی‌اش نیز گریه می‌کند. پس خرسند شد و به خود گفت: خدا را شکر که دچار انسان جاهل و نادان نشدیم. فردوسی از آن شخص سؤال کرد: از اشعار من چه چیزی به دست آوردی، خوب است یا بد؟ او در پاسخ گفت: من از اشعار تو چیزی درک نکردم بلکه بزغاله‌ای در خانه داشتم که ریش‌هایش مانند تو بود؛ به همین دلیل با دیدن ریش‌های تو به یاد ریش‌های آن بزغاله افتادم.

۱. محاسن (برقی)، جلد ۱ صفحه ۲۰۴.

۲. ابن شبرمة - که در زمان جعفر منصور به عنوان قاضی دستگاه حکومت بود و شعر هم می‌سرود - می‌گوید:

« ما ذكرت حديثاً سمعته عن جعفر بن محمد عليه السلام ، إلا كاد أن يتصدع قلبي ، قال : حدثني أبي عن جدي عن رسول الله صلى الله عليه وسلم ، قال ابن شبرمة : وأقسم بالله ما كذب أبوه علي جدّه ولا جدّه علي رسول الله . قال عليه السلام : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : من عمل بالمقائيس فقد هلك وأهلك ومن أفتى الناس بغير علم وهو لا يعلم الناسخ من المنسوخ والمحكم من المتشابه فقد هلك وأهلك ^(۱) .

من هرگز حدیثی را که از حضرت امام صادق عليه السلام شنیدم یاد نمی‌کنم، مگر اینکه نزدیک است قلبم بایستد. امام عليه السلام فرمودند: پدرم از جدم عليه السلام و ایشان نیز از رسول خدا صلى الله عليه وسلم روایت کرده است ابن شبرمة گفت: سوگند به خدا! پدر امام عليه السلام بر جدشان عليه السلام دروغ نمی‌بندند و همچنین جدشان عليه السلام بر رسول خدا صلى الله عليه وسلم دروغ نمی‌بندند. امام عليه السلام فرمودند که رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمودند: کسی که به قیاس عمل کند، خود و دیگران را به هلاکت و نابودی افکنده است و همچنین اگر کسی بدون علم و یقین برای مردم فتوا دهد در حالی که ناسخ را از منسوخ و محکم را از متشابه تشخیص نمی‌دهد همانا خود و دیگران را به هلاکت و نابودی افکنده است.

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۴۳.

اهل بیت علیهم السلام علاوه بر اینکه سخنان زیبا و ارزشمند بیان می‌کردند، در میدان عمل نیز قدم بر می‌داشتند. آنها علیهم السلام همیشه بر این مطلب پافشاری می‌کردند که سخنان ما اهل بیت علیهم السلام همگی از منبع وحی الهی سرچشمه می‌گیرد و هرگز از روی هوای نفس یا اجتهادات شخصی سخن نمی‌گوییم.

امام باقر علیه السلام به جابر فرمودند:

«یا جابر! لو کُنَّا نحدِّثکم برأینا وهوانا، لکُنَّا مِنَ الْهَالِکِینَ وَلکُنَّا نحدِّثکم بأحادیث نکنزها عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کما یکنز هؤلاء ذهبهم و فضَّتهم»^(۱).

ای جابر! اگر ما طبق رأی و نظر شخصی و از روی هوای نفس برای شما روایت کنیم، حتماً از هلاک شدگان می‌بودیم؛ ولی ما روایاتی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ذخیره نموده‌ایم، برای شما بیان می‌کنیم؛ همان‌گونه که اینها (امویان و عباسیان) طلا و نقره‌ها را جمع‌آوری و ذخیره می‌کنند.

پرسش این است که آیا مدعیان فتوا و فقهات (در میان اهل سنت و حتی شیعیان) از روی علم و یقین فتوا می‌دهند و آیا آنها به سخنان خویش، علم و یقین دارند؟!

در انتها یاد آور می‌شویم که عصمت از مقوله علم و یقین است و اساس دین و شریعت نیز بر علم و یقین استوار شده است؛ به همین دلیل انبیای الهی و معصومین علیهم السلام گرد گناه و معصیت نمی‌روند.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱. بحار الأنوار، جلد ۲ صفحه ۱۷۲.

خودآزمایی

- ① دیدگاه اهل سنت و شیعیان، در مورد عصمت چیست؟
- ② معیت و همراهی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با قرآن کریم و حق، چگونه بر عصمت دلالت می‌کند؟
- ③ ریشه گناهان در چیست؟
- ④ بی‌اعتنایی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به اموال دنیا چگونه بود؟
- ⑤ آیا درباره امام علیه السلام حسادت و شهوت رانی متصور است؟ چرا؟
- ⑥ نظریه اول و دوم در مورد عصمت چه اشکالی دارند؟
- ⑦ طبق نظریه سوم چرا امام علیه السلام گناه نمی‌کند؟
- ⑧ عمل ظنّ و گمان از منظر قرآن کریم چه حکمی دارد؟
- ⑨ آیا همه انسان‌ها می‌توانند از موهبت علم و عمل برخوردار باشند؟
- ⑩ حضرت امام باقر علیه السلام در مورد علم و دانش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چه فرمودند؟
- ⑪ رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد عمل به قیاس و فتوای بدون علم چه فرمودند؟
- ⑫ طبق فرمایش حضرت امام باقر علیه السلام سخنان اهل بیت علیهم السلام از کجا نشئت می‌گیرد؟

٢٧

٨٠١ حفره حفرت ١٠٧

سخن ما با اهل سنت این است که ، اگر شما
قرآن کریم را مصون از خطا و اشتباه و دور از هرگونه
زشتی ، پلیدی و انحراف می دانید ، پس هر آنچه
هم با قرآن همراه است ، باید از درجه عصمت
برخوردار باشد و از هرگونه پلیدی ، زشتی ، خطا و
انحراف دور باشد ؛ در غیر این صورت ،
هماهنگی ، همراهی و معیت با قرآن برا و صادق
نخواهد بود ، از سوی دیگر ، حق آن چیز است که
لبّ و اصل واقعه را نشان می دهد و هیچ گونه
شائبه ای در آن راه ندارد ، پس آنچه با آن همراه
است نیز باید از باطل و انحرافات ، دور و از
خلوص کافی برخوردار باشد .

(صفحه ۶ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام ، جنب قائمیه ، فروشگاه آوای مهر .
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد .
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات ، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید .

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir